

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعیم سلیمی
۱۶ اگست ۲۰۲۳



نعیم سلیمی

هر کله بر خیال

این یک ضرب المثل از بیکی/ ترکی است که اگر به زبان ساده فارسی این مطلب را بیان کنیم چنین می شود که "هر سرو سرداری فکر جداگانه ای در کله و مغز خود دارد که حاضر نیست آن را با افکار دیگران شریک و سهیم سازد." و به تعبیر دیگری می توان گفت که کشمکش موجود به صورت کل در جهان و به طور خاص آن بیشتر از همه در افغانستان شبیه مسابقه بزکشی و پهلوانی است که هر کسی و هر جناحی می خواهد به تنهائی قهرمان میدان شود. در حالی که در مبارزات اجتماعی و سیاسی در یک تحلیل نهائی سرنوشت مبارزه را قهرمان نه، بلکه تیم و یا رهبری جمعی هماهنگ آن تیم تعیین می نماید.

به همین گونه در زندگی واقعی افکار و اندیشه ها و گنجینه های داخل دماغ افراد و اشخاص به تنهائی و به خودی خود ملکیت هراسانی به طور جداگانه آن نبوده، بلکه تمامی نظریات، تیوری ها به شمول زبان های ما محصول انکشافات اجتماعی انسانی می باشند که به صورت کل از نسلی به نسلی انتقال یافته اند. به همین ترتیب می توانیم بگوئیم که روابط حقیقی و عملی میان ایده ها و نظریات ما با واقعیت های عینی پیرامونی به طور کلی صرفاً به تفکر و تعمق فکری ما مربوط نمی شوند. نوع بشر در برابر جهان واقعی به شیوه غیر فعال و پاسیف برخورد نمی نماید. انسان ها جهان را با کار و زحمت جمعی دگرگون می سازند که نتیجتاً انسان خود نیز دستخوش این دگرگونی قرار می گیرد. ولی نباید فراموش نمود که این دگرگونی گاه گاهی نتیایج پیشرونده و متحول انقلابی را با خود به همراه داشته و گاهی هم به نابودی، عقب گرد و به هم خوردن مجموعه شیرازه اجتماعی و فرهنگی می انجامد. به عبارت دیگری نمی شود تاریخ را بیمه نمود. البته که انسان ها تاریخ را می سازند. ولی رویداد های تاریخی بر محور و فرمان آرزوهای آدمی آنگونه که مطلوب نظر است شکل نمی گیرند.

در یک بحث علمی جامعه شناسی، علل و اسباب خود سری های سردار منشانه که از آن نام بردیم چیست و از کجا می آید؟

آیا انسان‌ها در طول تاریخ بالذات و بالماهیه خودسر و خودخواه بوده‌اند که داشته‌ها و افکار خود را مختص به خود نگه‌دارند و یا این‌که در یک حالت متفاوتی از نیستان وحدت الوجودی خود آن‌را با همدیگر شریک ساخته‌اند؟ سؤال مهم دیگر این است که آیا انسان‌ها گاهی طبیعت و ماهیت انتزاعی مجرد ثابته در تاریخ داشته‌اند. اما آنطوری که تاریخ طفولیت و دوران شیرخوارگی بشر در گذشته و بقایای در حال اضمحلال آن در دنیای امروزی نشان می‌دهد این است که ماهیت انسان پیوسته و به‌طور متداوم دستخوش تغییراتی از شریک ساختن داشته‌ها و غنیمت‌ها تا هر سری‌ها و سرداری‌ها بوده است.